



فرهنگی. اجتماعی. سیاسی. اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحبانیتار:جمعیت‌هالاحمر جمهوری اسلامی ایران

مدیرمسئول: اسماعیل رضانی

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه- ابتدای بزرگراه

محمدعلی جناح - کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۱۴۱۶۳۵۳۵۳ - فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۸

چاپ: هم‌میهن فارس - تلفن: ۴۶۸۹۶۳۳۰

شبکه توزیع فروش: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۵۴۰۸۱۰۰۰

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۰۲-۴۴۹۵۶۲۰۰

فکس: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۷ سامانه پیامکی: ۰۲۶۲۶۶۳۰۵۰۰

مبتاق نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌شهروند را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/Misagh_Name

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

یادداشت

جاده دوستی: یک‌متر فه



زهره جعفرزاده

روزنامه‌نگار

فرمانده‌نیروی انتظامی دیروز در مراسمی که‌به‌مناسبت هفدهم مرداد، روز خبرنگار، برگزار شده بود، صحبت‌هایی کرد درباره این‌که هیچ سدی برای ارتباط خبرنگاران با ناجا وجود نداشته، ندارد و نخواهد داشت و ما مدیون خبرنگارانیم و از این حرف‌ها، صحبت‌های حسین اشتری در روز خبرنگار مرا به ۱۰، ۱۲ سال پیش برد، زمانی‌که خبرنگار حوادث در یکی از خبرگزاری‌ها بودم و یکی از وظایف روزانه‌ام، سرزدن به پلیس آگاهی مرکزی در خیابان وحدت اسلامی بود. آن زمان مثل الان نبود که خبر از آسمان و زمین برسد، نه از تلگرام خبری بود نه اینستاگرام‌ونه کسی خبری‌برایمان می‌فرستاد.ماخودمان در خبرگزاری تولیدکننده خبر بودیم و باید از زیر سنگ هم می‌شد، خبر را پیدا می‌کردیم، پلیس آگاهی برای ما خبرنگاران حوادث، کارخانه هم بود، برای همین هم‌باکی دونفر از همکارانم روزهای هفته را تقسیم کرده بودیم و هر روز یکی از ما به محض رسیدن به محل کار، دفتر دستک وضبط صوت کاستی، از همان قدیمی‌ها که از کف دست بزرگتر بود، برمی‌داشتیم و با خودمان به پلیس آگاهی می‌بردیم. آن‌جا پر از خبر بود، هر روز، یک عالم آدم را به اتهام دزدی و شُرارت و تجاوز و قتل به اداره‌های مختلف می‌بردند و بعد از بازجویی یا آزاد می‌شدند یا به بازداشتگاه آگاهی که انتهای حیاط بود، حالا احتمالاً تغییراتی کرده) منتقل می‌شدند. تا وقتی که من و هم‌دوره‌ای‌های من خبرنگار حوادث بودیم، پلیس با ما دوست نبود؛ نه فقط با ما دوست نبود که چشم دیدنمان را هم نداشت اما ما با مجوز نمی‌دانم کجا، هر روز صبح مثل کارندان پلیس آگاهی از اتاقک زیر سر در آگاهی می‌شدیم و دنبال خبرمان بودیم، از اداره قتل به اداره سرقت، از سرقت به آدم‌ربایی، از آدم‌ربایی به اداره جعل و کلاهبرداری و... و در این پروسه، چشم‌های زیادی روی ما بود که نکند وارد بخشی شویم و سوای پیرسیم که به ما مربوط نیست، حالا بماند که در این رفت‌وآمدها، چیزها که نمی‌دیدیم و نمی‌شنیدیم که در این بحث نمی‌گنجد اما از تباطخ خبرنگاران با مسئولان این اداره، که حیات‌ها داشت، خبرنگار نه محرم بود، نه رازدار (که شایدطبیعی هم باشد) و نه دوست، همیشه عک‌ها، عک‌ریه دردرسازری بود که آمده سر از خبرها در بیارود و برود، هر روز قانون جدیدی برایمان وضع می‌شد، فلان اداره نرود، با فلان کس حرف نزنید، فلان خبر را منتشر نکنید، این‌طور لباس نپوشید و قس‌علی‌هذا. اگر هم اتفاقی می‌افتاد و ما نیاز به برقراری ارتباط با پلیس داشتیم، تنها یک راه ارتباطی بود، آن هم رئیس اداره اطلاع‌رسانی که شکر خدا هیچ وقت هم اطلاع‌رسانی نمی‌کرد و ما می‌ماندیم و گزارش میدانی‌مان از اتفاق و بسنده کردن به گفته‌ها و شنیده‌ها و بعد از انتشار خبر، سگیل جلوبیه و تکذیبیه و تذکره‌ای می‌افتاد. خبرنگار اما گاهی هم عزیز می‌شد، وقتی نشست‌های خبری و موقعی که طرحی با موفقیت اجرا می‌شد و حالا باید «طالع‌رسانی» اتفاق می‌افتاد! آن زمان که ما خبرنگار حوادث بودیم، میان ما و پلیس سد نبود، اقیانوسی بود عمیق و پرآب که گذشتن از آن کار هر کسی نبود. حالا شرایط تغییر کرده و چند سالی می‌شود که درهای آگاهی به روی خبرنگاران بسته شده و خبرها از کالال مدیر اطلاع‌رسانی برای آنها «واتس‌اپ» می‌شود. خبرنگار حق ندارد پایش را در پلیس آگاهی بگذارد، مگر صدایش کند؛ البته برای اطلاع‌رسانی. از همه این حرف‌ها گذشته، می‌خواهم بگویم که ارتباط میان پلیس و خبرنگار وجود دارداما تنها وقتی که به حضورش نیاز باشد.

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

سردار حسین اشتری:

ناچار تبه دوم محبوبیت بین مردم را کسب کرده‌است



چگونه یک کلیپ لس آنجلسی فضای فرهنگی ما را به چالش می‌کشد؟

مسأله‌ای به نام کوچه نسترن



شده که توسط جریان افراطی جنگ‌طلب خارج کشور تولید شده است. گلوبیی پیش از این نیز بارها کینه شخصی‌اش را به جمهوری اسلامی نشان داده بود، اما مسئولان فرهنگی کشور باو به تعامل پرداخته بودند. خبرگزاری تسنیم هم در مطلبی با تیترب «حمایت مشکوک جریان‌ی انقلابی از ترانه‌سرای لس آنجلس‌نشین‌ها» فقط روی ترانه‌سرای شناخته‌شده فوکوس کرده و نوشته: از «کوچه نسترن» ابراهیم حامدی با ترانه‌ای از یغما گلوبی، نمی‌توان به سادگی عبور کرد. این سومین شلیک فرهنگی جنبش موسیقی لس آنجلسی به ارزش‌های دفاع مقدس پس از ترانه‌های «بمان مادر» (نادر نادریور) با صدای داریوش اقبالی و «سرباز کوچولو» (همایون هوشیارنژاد) با صدای عارف عارف‌کیاست... به قول فرمایش آن بزرگ، آدر این کلیپ! جای جلال و شهید را عوض می‌کند، نوعی

معادل‌سازی مغرضانه در متن ترانه است. خون حق شهید را در برابر اعتراض باطل دانشجوی معارض برانداز قرار می‌دهد و یک هم‌وزن‌سازی مع‌الفارق در متن آن است. اما مقصر این رویداد و انتشار ترانه‌ای مثل کوچه نسترن چه کسی است؟! اولین اتهام نصیب ترانه‌سراست اما مهمترین مقصری که از چشم‌ها پنهان مانده، افرادی هستند که روی صحنه مدیریت ارگانی سینما و موسیقی در قالب ارزشی سکان را در دست دارند... کارنامه یغماگلوبی کاملاً مشخص است، «ترانه کوچه نسترن» اولین و آخرین فعالیت‌او نخواهد بود. اما غیزاز واکنش‌های رسانه‌های رسمی و کنایه مستقیم تسنیم به نهادهای موازی، در توییتر هم خبرهایی هست؛ نام برداران محمدحسنی به نوعی به سازمان اوج، نصرتی‌وی و مجموعه‌هایی از این دست گره خورده. میثم محمدحسنی که روزگاری مجموعه دلصدا را با حضور

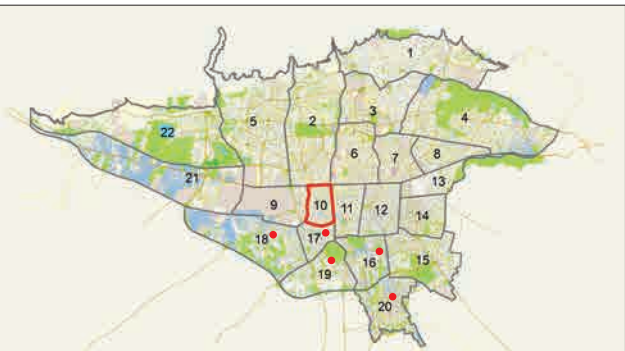
بسیاری از خوانندگان نامی تهیه و تولید کرده بود و از سویی دست در آتش نصرتی‌وی هم دارد، مثل همیشه در بیانی تند نوشت: «تقدیم به ریاست سازمان تبلیغات، کیهان، وزارت ارشاد، صداوسیما، رجا، پایداری و همه دوستان امنیتی که نه کار کردند، نه گذاشتند امثال ما کار کنیم! پارسال چهل سالگی نامبردگان و من هنوز از بی‌عرضگی نامبردگان فوق، خشمگین بودم که کوچه نسترن رسید!» این توییت از آن‌جا مهم است که محمدحسنی با بهره بردن از بودجه، امکانات و توانایی‌های خاص، دقیقاً با همین آهنگساز و ترانه‌سرایی که کوچه نسترن را ساخته‌اند، کلیپ «برادر» را با صدای پرویز پرستویی منتشر کرد یا همراه با امیرحسین مقصودلو (مشهور به تتلو) روی ناو جماران رفت و کلیپی در حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای ساخت و پس از فاجعه رفتارهای او، در مصاحبه‌ای گفت: «مسئول گارانتی سیاسی سلب‌ریتی‌ها نیستیم». او در پاسخ به همین کنایه‌ها که «دستاورد‌های مدیریت شما هم نتیجه‌اش معلوم شد/ شما عادت دارید از ته‌صف جذب کنید و تتلو و یغماپی زیر همه چیز زده‌اند» نوشت: «دقیقاً بخش زیادی از نامبردگان در توییت حقیر به انضمام دبیرستان غرغرو باعث شدند ارتباط ما مستمر نباشه و قطع ارتباط شد». این تازه آغاز بگومگوهای مفصلی است که زیر این توییت و نمونه‌های مشابهش به راه افتاده. آن‌طور که پیداست، این قصه سر دراز دارد.

کدام مناطق تهران در معرض فرونشست و فروریزش هستند؟

بحران در جنوب و جنوب شرقی

طی سال‌های اخیر بارها درباره این‌که تهران به‌عنوان شهری با حلقه چاه‌های زیاد، قنات‌های قدیمی فراوان و کم‌آبی که منجر به پوک شدن زمین می‌شود، در معرض تهدید جدی فرونشست و فروریزش است، صحبت شده، چندین بار هم مناطق مختلف تهران که بیشتر از بقیه در معرض خطر هستند، اعلام شده‌اند. مثلاً همین چند وقت پیش مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران گفت: «مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و شهرداری تهران و شهرستان‌های اسلامشهر، چهارداگه، صبا شهر، نسیم شهر، شهریار و کهریزک بیشتر از سایر بخش‌های استان تهران در معرض فرونشست زمین هستند». حالا هم خبر می‌رسد که منطقه ۲۰ تهران به این فهرست اضافه شده است. این خبر را علی بیت‌اللهی، دبیر کارگروه ملی مخاطرات طبیعی می‌دهد و می‌گوید: «در مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ پدیده فرونشست دیده می‌شود، همچنین علاوه بر آن فروریزش زمین تامناتق مرکزی تهران پیشروی کرده است.» او ادامه می‌دهد: «بافت مناطق جنوبی شهر تهران دارای چند خصوصیت است، بافت این مناطق اکثراً فرسوده است، معابری با عرض کم و ساختمان‌هایی فرسوده دارد، این ساختمان‌ها به راحتی در مقابل فرونشست و فروریزش زمین آسیب‌پذیر هستند. در حاشیه جنوبی شهر تهران حدود ۳ میلیون نفر تحت‌تأثیر فرونشست و فروریزش زمین هستند و در مجموع در شهر تهران نیز تنها در بافت مسکونی حدود ۳ میلیون نفر در معرض این مخاطرات هستند.»

او درباره فروریزش هم توضیح می‌دهد و می‌گوید: «مادر کشور با دو پدیده مخاطرات زمین‌شناسی روبه‌رو هستیم که بشدت ایمنی شهرهای ما را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. یک پدیده فرونشست و دیگری فروریزش است که باید میان آنها تفاوت‌قابل شویم. در شهر تهران فروریزش زمین بیشتر مشاهده می‌شود که از جمله موارد فروریزش زمین می‌توان به فروریزش میدان شهران که با آتش‌سوزی لوله گاز همراه بود، فروریزش خیابان پیامبر، چند فروریزش در خیابان مولوی و... اشاره کرد. طی وقوع این مخاطره چاله‌هایی به قطر ۱۰ تا ۲۰ متر در سطح زمین ایجاد می‌شود که از خصوصیات آن هم می‌توان به ناگهانی بودن آن که منجر به ریزش ساختمان‌ها، سقوط خودروها درون چاله، آسیب دیدن خط لوله‌ها و... می‌شود، اشاره کرد.»



فرمانده نیروی انتظامی بابیان این‌که ناجا تبه دوم محبوبیت و اعتماد را در بین مردم کسب کرده است، گفت: «اعتماد مردم به پلیس همواره روبه افزایش است، چرا که مردم پلیس را دوست دارند و خدا را شکر که اعتماد مردم به پلیس در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ بین ۳۲ دستگاه نیروی انتظامی از حیث محبوبیت و اعتماد ر تبه دوم را به خود اختصاص داده است.»

مسئولان پست‌های کلیدی نباید با خارج ارتباط داشته باشند



حسین نوروزی، عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس گفت: «نمی‌شود افرادی در ایران دارای پست‌های ستاره‌دار باشند و از آن سمت فرزندان و همسرانشان و افراد درجه یک‌شان بخواهند در خارج تحصیل کنند. بر همین اساس وزارت اطلاعات به داماد آقای حدادعادل به دلیل این‌که در ژاپن و به نحوی در آمریکا تحصیل کرده و فرزندش هم در خارج از کشور متولد شده و سیتیزن بود، تاییدیه برای این‌که پستی دریافت کند، نداد.»

برنامه جامعی برای

قیمت‌گذاری مسکن نداریم



حمیده زرآبادی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس درباره بحث قیمت مسکن گفت: «الیات بستن به خانه‌های خالی، خود به تنهایی تأثیر چندانی ندارد. قیمت مسکن خانه‌هایی که ۳۰ سال ساخت هستند و افرادی در آن سکونت دارند، بسیار نجومی است و می‌توان گفت کلاً قیمت‌گذاری دل‌خواهی شده است. از سوی دیگر کیفیت مسکن، نوع ساخت و منطقه در قیمت مسکن تأثیر دارد؛ مثلاً در مناطق پرریسک باید قیمت مسکن کمتر باشد، اما اتفاقاً می‌بینیم خانه در آن جا گران‌تر است! در حالی‌که اگر ناگهان سیل و زلزله بیاید، این مناطق بیشترین آسیب را می‌بینند. مشکل این است که ما در کشور برنامه جامعی نداریم که مسکن را قیمت‌گذاری کند و بر قیمت تمام‌شده تأثیر بگذارد، تا قیمت‌گذاری از این حالت دل‌خواهی بیرون بیاید.»

شغل و درآمد یا اینترنت رایگان؟ با مسائل شوخی نکنیم

ادامه از صفحه اول
[برای انبوه جوانان بیکار این سرزمین شغل واقعی و سودمند بسازید؛ در این صورت آنها بدون اینترنت رایگان هم زن خواهند گرفت و در هر روز مجاری برای ثبت طلاق هم از هم جدا نخواهند شد! روزی ارتباطات اخیراً در مورد افزایش خوفناک نرخ قماربازی و شرط‌بندی در ایران هم ابراز نگرانی کرده بودند، اما به ایشان اطمینان می‌دهیم که اگر مشکل اشتغال و اقتصاد مردم حل شود، رواج حیرت‌آور شرط‌بندی هم متوقف خواهد شد. بسیاری از کسانی که به این وادی کام می‌گذارند، درد معاش دارند. آنها به‌هوا ی گرم شدن پا به این آتش می‌گذارند، اما غالباً همه وجودشان می‌سوزد و خاکستر می‌شود. نمی‌شود نان را تأمین نکرد و صرفاً با بگیر و ببند و افشاکاری و ابراز نگرانی دنبال تعطیل کردن سایت‌های شرط‌بندی رفت. اگر مردم درآمد نداشته باشند، طبیعتاً به صرافت کسب ثروت‌های بادآورده خواهند افتاد و بعد از مدتی حتی در صورت رفع نیاز مالی، به اصل شرط‌بندی معانمی‌شوند.

از اصل مطلب غافلیم و گمان می‌کنیم رفع معضلات جدی با تکاپوهای فرعی و بی‌حاصل ممکن است. یقین داشته باشید حتی مشکل ابدی فحاشی در شبکه‌های اجتماعی و هجوم‌های فله‌ای به صفحات این‌ و آن هم با رفع بیکاری به شکل چشمگیری بهبود خواهد یافت. بیکاری و وفور اوقات فراغت بی‌هدف، اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری چنین فضایی است، و گر نه چقدر حرف زدیم و به جایی نرسیدیم؟ جیب جوانان را پر از پول کنید، آنها بلندن چطور ازدواج کنند؛ و گر نه به قول ظریفان کسی که از دواج کرد، دیگر اینترنت‌می‌خواهد چکار؟!